استاد دانشگاه علم‌وصنعت در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

مساله ما تحول کارگزار است نه ساختار

زهرا رمضانی
روزنامه‌نگار

بعد از گذشت نزدیک به ۱۰۰ سال از راه‌اندازی اولین دانشگاه به شکل فعلی در ایران کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که اعتقادی به انجام تحول اساسی در نظام آموزش‌عالی کشور نداشته باشد؛ مساله‌ای که قطعا عمده‌ترین دلایل آن را می‌توان وضعیت نابسامان تربیت نیروی انسانی در حوزه‌های مختلف و بی‌توجه این حوزه نسبت به نیازهای بازار کار، عدم ارائه راهکارهای علمی و عملی برای برون‌رفت از مشکلات کشور توسط مراکز دانشگاهی، یکه‌تازی مقالات در دانشگاه‌ها به‌جای پرداختن به فعالیت‌های پژوهشی و... دانست. از طرف دیگر ملاک قراردادن آموزش‌های تئوری صرف به‌جای تربیت نیروی انسانی ماهر در رشته‌های مختلف درحالی توسط عمده مراکز دانشگاهی کشور دنبال می‌شود که امروز بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا از دانشگاه‌های نسل اول و دوم عبور کرده‌اند و این نشان می‌دهد عمر شیوه سنتی آموزش در دنیا به اتمام رسیده و طبیعی است که ما نیز باید در این راستا گام برداریم؛ موضوعی که مورد توافق بسیاری از فعالان حوزه آموزش‌عالی است، اما برای رسیدن به آن راه زیادی پیش‌روی نظام آموزش‌عالی قرار دارد. بحثی که پیش‌تر و در گزارشی با عنوان «تحول در دانشگاه؛ فراوانی سوال‌ها، پراکندگی جواب‌ها» به آن پرداختیم و حالا به‌سراغ علی عبدالعالی، استاد دانشگاه علم‌وصنعت رفته‌ایم تا ابعاد تحول در آموزش‌عالی را بررسی کنیم. مساله‌ای که به اعتقاد او در وهله اول باید وجود بیماری سرطان در بدنه آموزش‌عالی را باور کرد و بعد از آن سراغ درمان این بیماری رفت. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

به اعتقاد شما نظام آموزش‌عالی کشور ما امروز نیازمند یک تحول بنیادین است یا می‌توان با اعمال تغییرات محدود، ریل‌گذاری این نظام را به مسیر درست رساند؟

پاسخ این سوال را با ذکر مثالی می‌گویم. شما تصور کنید یک کامیون حمل بنزین داریم که پر از سوخت بوده و درحال حرکت در یک جاده بیابانی است که یکباره سوخت خودش تمام می‌شود، این درحالی است که کامیون چند هزار لیتر بنزین با خود حمل می‌کند، اما چون برای حرکت خود نیازمند گازوئیل است، بنزین هیچ کمکی به آن نخواهد کرد و برای به‌حرکت درآمدنش تنها باید گازوئیل داشته باشد و این خوشبینانه‌ترین انتقاد به ساختار نظام آموزش‌عالی کشور است. به‌عبارت دیگر آنچه این نظام آموزشی به دانشجویان می‌دهد تا با خود حمل کنند، هرچند سوخت باارزشی هم تلقی می‌شود، اما نه‌تنها به درد زندگی امروز دانشجویان نمی‌خورد، بلکه فایده‌ای برای شغل آینده‌شان نیز ندارد.

آخرین بازنگری برخی دروس ۳۰ سال پیش صورت گرفته است

شاید کسی باور نکند که برخی از دروس دانشگاهی بیش از ۳۰ سال پیش بازبینی شده‌اند و کهنه و ناکارآمد بودن معضلی است که بخش قابل‌توجهی از دروس دانشگاهی کشور را شامل می‌شود. یک مثال دیگر بزنم؛ استادی را می‌شناسم که ۴۰ سال است به‌عنوان معلم یکی از دروس در دانشگاه‌ها حضور دارد و قطعا ۱۰ سال پیش از حضورش در دانشگاه، خودش نیز دانشجو بوده و جالب اینجاست که این استاد با افتخار اعلام می‌کند در درسش، همان مطالبی را آموزش می‌دهد که خودش در دوران دانشجویی فراگرفته و این نشان‌دهنده قدیمی و ناکارآمد بودن سیستم است. اگر بخواهیم نظام آموزشی را به نرمی مورد انتقاد قرار دهیم، باید بگوییم بخش قابل‌توجهی از دروسی که دانشجویان ما در دانشگاه‌ها می‌خوانند حتی تا وقتی که دانشجوی امروز ما از دنیا هم برود، هیچ کارآیی‌ای برای او نخواهد داشت و این مهم، نقدی اساسی است که به محتوای دانشگاه‌های ما وارد می‌شود.

برای ایجاد تحول در نظام آموزش‌عالی باید ابراهیم‌وار عمل کرد

از نگاه شما به‌عنوان یک عضو هیات‌علمی دانشگاه، مهم‌ترین بخش نظام آموزش‌عالی کشور که باید دچار تحول شود، کدام است؟

این سوال را نیز با یک مثال توضیح می‌دهم. زمانی که حضرت ابراهیم به مردم زمانه‌اش می‌گفت بت‌ها، سنگ بوده و قدرت تفکر، حرکت، دفاع از خود و... را ندارند و به آنها به‌عنوان خدا سجده نکنید، به نظر شما مردمان آن زمان افراد بدجنس و نادانی بودند ؟ قطعا اینطور نبوده است، چراکه در آن برهه اجداد آن مردم و حتی به‌اصطلاح آدم‌حسابی‌های شهر همگی بت‌پرست بوده و طبیعتا یک بخش از آیین‌شان بت‌پرستی بود، درحالی‌که از بت‌پرستی هم عایدی نصیب مردم نمی‌شد، اما صرفا به احترام آداب و رسوم‌شان به بت‌ها سجده می‌کردند و زمانی که حضرت ابراهیم اعلام کرد بت‌ها را نپرستند، به هیچ عنوان این مساله را قبول نکردند و مهم‌ترین جواب‌شان نیز به حضرت این بود که حرف حضرت ابراهیم اشتباه است، چراکه بزرگان و پیشینیان آنها بت‌پرست بودند و به‌همین دلیل تغییر در بت‌پرستی کار بسیار دشواری بود و درنهایت نیز دیدیم که حضرت ابراهیم با شکستن بت‌ها و قراردادن تبر روی دوش بت بزرگ، ناکارآمدی بت‌ها را به مردم نشان داد. در بحث آموزش‌عالی ما نیز باید همین اتفاق رخ دهد. به صحبت‌های مقام‌معظم‌رهبری طی یک ماه اخیر نگاه کنید، ایشان به صراحت می‌گویند: «در زمینه مسائل آموزشی ما واقعا احتیاج داریم به تحول. تحول در زمینه مسائل آموزش این است که ما آموزش‌های دانشگاهی و دبیرستانی را، حتی دبستانی را، آموزش‌های عمقی قرار بدهیم؛ عمقی، کاربردی، نه صرفا حفظی؛ درس‌ها و بحث‌های فایده‌محور را مطرح بکنید. بعضی از درس‌ها در مدارس ما یا در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود که برای آن کسی که دارد این را می‌خواند، هیچ فایده‌ای تا آخر عمرش نخواهد داشت! چون در این زمینه تخصص هم پیدا نمی‌کند، اطلاعش هم در این زمینه اطلاع آنچنان کارآمدی نیست؛ مثل اطلاعات عمومی یک چیزی یاد می‌گیرد که هیچ فایده‌ای ندارد، وقت او را هم می‌گیرد؛ یعنی در زمینه آموزش اگر بخواهیم به معنای واقعی کلمه تحول ایجاد کنیم، تحول به این است که درس، فایده‌محور باشد، عمقی باشد، کاربردی باشد؛ که حالا همین برنامه تحولی که برای آموزش‌وپرورش تهیه شده، اگر اجرا بشود و عمل بشود، بخشی از این را به عهده خواهد داشت.» جالب اینجاست که مسئولان ما این صحبت‌ها را می‌شنوند و تنها به‌صورت نمادین تکبیر می‌گویند، درحالی‌که مسئولان اعم‌از وزیر علوم و دیگر مسئول نظام آموزش‌عالی و... باید وارد میدان شده تا بت آموزش‌عالی ما شکسته شود. قدم اول این است که ما متوجه شویم آموزش‌عالی ما مریضی بدخیم دارد و ساختار این نظام دچار یک نوع سرطان شده است و زمانی که این مساله را باور کردیم، می‌توانیم درباره درمان آن به‌صورت جدی فکر کرده و به‌اصطلاح تبر دست‌مان بگیریم تا بت آموزش‌عالی را بشکنیم.

نظام آموزش‌عالی طرح تحولی لازم ندارد، بلکه مردان تحول می‌خواهد

طرح تحول بنیادین آموزش‌وپرورش در کشور به تصویب رسیده است. به‌نظر شما می‌توان برای آموزش‌عالی هم چنین مسیری را دنبال کرد؟

مساله اینجاست که ما اصلا طرح تحول لازم نداریم، بلکه نیازمند مردان تحول هستیم؛ به‌این معنا که فردی بیاید و با استفاده از روشی به اساتید و مسئولان آموزش‌عالی کشور بفهماند مسیر فعلی که دنبال می‌شود نهایتا به ناکجاآباد می‌رسد. به‌عبارت دیگر در قدم اول باید بفهمیم که نظام آموزشی ما دچار بیماری شده و بعد از آن سراغ راهکارها برویم که یکی از آنها هم تحول در محتوای دروس است. بعد از آن باید سراغ تعامل اساتید با دانشجویان برویم. هرچند برخی از اساتید ما از مثال‌هایم ناراحت می‌شوند، اما مثالم را می‌زنم. سال پیش به اعضای هیات‌علمی‌مان، پیشنهاد دادم یک‌روز در هفته به‌جای اینکه به سلف‌سرویس اساتید برویم، به سلف دانشجویان برویم و به‌خاطر دارم در آن زمان یکی از اساتید مشهور با خنده به من گفت مگر دنبال رای آوردن هستی که می‌خواهی به جمع دانشجویان بروی؟ قطعا این مساله در باور ما ریشه دارد که استاد نباید با دانشجو تعامل بگیرد. شما چند استاد را می‌شناسید که با دانشجو به‌اصطلاح رفیق باشد؟ تعدادشان بسیار اندک است. متاسفانه هیچ‌کس رغبتی به اصلاح این روند ندارد و معتقدیم تا بوده، رویه استاد با دانشجو همین‌طور بوده و باید ادامه هم داشته باشد.

ساختاری در کشور ما چیده شده که متاسفانه دنیا با شجاعت بیشتری این ساختار را برهم زده، اما انجام دادن این کار برای ما دشوار است. دو سال پیش به دانشگاه برکلی در کالیفرنیا رفتم، این دانشگاه یک ساختمان گنبدی‌شکل دارد که دانشکده هسته‌ای محسوب می‌شود و ورود به آنجا برای همه افراد کار بسیار دشواری است و حتی اساتید دیگر دانشکده‌های همین دانشگاه نیز نمی‌توانند به‌راحتی به آنجا بروند، این درحالی است که مردم عادی به‌راحتی می‌توانستند از وسط دانشگاه برکلی عبور کنند، اما هیچ‌کس نمی‌تواند به آسانی وارد دانشگاه‌های کشور ما شود و این مهم به‌دلیل باوری است که در جامعه ما نسبت به دانشگاه وجود دارد.

نهایت ارتباط دانشگاه‌های ما با جامعه، همان دفتر ارتباط با صنعت است

متاسفانه نهایت ارتباط دانشگاه‌های ما با جامعه، همان دفتر ارتباط با صنعت است و به آن هم افتخار می‌کنیم، اما از حیث فلسفی مشکل ارتباط دانشگاه‌ها با جامعه ما بسیار ریشه‌ای است، چراکه ما محل ایزوله‌ای به نام دانشگاه داریم و تنها از آن یک اتصالی به اسم دفتر ارتباط با صنعت کشیده‌ایم تا ازطریق آن به جامعه وصل شویم، اما درست آن است که دانشگاه‌ها آمده‌اند تا مساله جامعه را حل کنند. تصور کنید بهترین دانشگاه‌های علوم‌پزشکی دنیا در ایران یا هر کشور دیگری وجود داشت و امروز که معضل کرونا ایجاد شده، همه این دانشگاه‌ها نسبت به آن بی‌توجه بودند و روی مقالات مرتبط با ایدز متمرکز می‌شدند! قطعا تا زمانی که ما بهترین دانشکده‌های برق، مکانیک، متالوژی و... را در کشور داریم اما تولیدات‌مان، محصولات ایران‌خودرو و سایپا است، مسیر را اشتباه رفته‌ایم و ریشه کار به این دلیل است که کارخانه ایران‌خودرو، سایپا، پارس‌خودرو یک ساختمان جدا است و درمقابل نیز ساختمان محصوری به اسم دانشگاه داریم که تنها گاهی مسائل‌شان را با یکدیگر می‌گویند، درحالی‌که این دو باید یکی باشند، چراکه هر دو درحال حل یک مساله هستند و باید قبول کنیم که دنیا در این حوزه بسیار بهتر از ما عمل کرده است.

تابوی ارائه مقاله ISI در مقطع تحصیلات تکمیلی باید شکسته شود

به اعتقاد شما غیر از بازنگری محتوای دروس، اصلاح تعامل اساتید با دانشجویان، چه مولفه‌هایی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی آموزش‌عالی نیاز است؟

نگاه کنید، امروز برای اینکه دانشجویی بتواند تحصیل در مقطع دکتری را تمام کند، باید حداقل یک یا دو مقاله ISI ارائه کند، درحالی‌که دانشجو در دانشگاه‌هایی مانند هاروارد که ازلحاظ علمی نیز جایگاه بالاتری نسبت‌به ما دارد، برای رفتن به مقطع دکتری نیازی به ارائه مقاله ندارد و قطعا ما باید از این تابوهایی که در آموزش‌عالی‌مان وجود دارد، رها شویم. رهبری ۱۲ سال پیش گفتند که موضوعات در دانشگاه‌ها کاربردی‌محور شود و به‌رغم مهم بودن مقاله، اما نباید این حوزه اصل قرار بگیرد، درحالی‌که الان یکی از مولفه‌های مهم برای ارتقای اساتید ما همین مقاله است و نتیجه این مسیر نیز همان می‌شود که امروز می‌بینیم. جالب اینجاست که وقتی رهبری به این مهم اشاره می‌کنند، همه صرفا تکبیر می‌گویند، اما در میدان باز همان مسیر دنبال می‌شود.

تا امروز حرکت‌هایی در راستای بهبود وضعیت نظام آموزش‌عالی ما صورت گرفته، اثرگذاری آنها چطور بوده است؟

قطعا اتفاقات خوبی در این حوزه رخ داده، اما شیب آنها بسیار ملایم بوده است. با این‌حال معضلات آنقدر زیاد است که شیب ملایم نمی‌تواند کاری از پیش ببرد، چراکه تصور کنید الان به ما بگویند ۱۰ سال آینده واکسن کرونا را تولید خواهند کرد، قطعا دیگر آن زمان این واکسن دردی را دوا نخواهد کرد و این همان شیب ملایمی است که امروز در آموزش‌عالی ما وجود دارد. طبیعتا دانشگاه‌های ما باید بدانند وظیفه‌شان، حل موضوعات داخل کشور است و اگر به اینجا برسیم، همان حرف رهبری مبنی‌بر جهش تولید محقق خواهد شد. به‌عبارت دیگر، دانشگاه‌ها

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

باید در وهله اول موضوعات داخلی را حل کنند و به‌رغم اینکه در برخی بخش‌های آموزش‌عالی اتفاقات با شیب ملایم رخ داده، اما معتقدم باید ابراهیم‌وار بت‌های آموزش‌عالی را شکسته و پارادایم‌های موجود را تغییر دهیم.

پارادایم‌های دانشگاه‌های جهان برخلاف ایران تغییر کرد

امروز اگر دانشجویی در رشته مخابرات بخواهد یک درس از رشته اقتصاد را بگذراند، باید چندین امضا از مسئولان مربوطه بگیرد تا بتواند تنها یک درس از یک رشته دیگر را بخواند، درحالی‌که این مساله برای ۳۰ سال پیش بود که افراد را زیاد محدود می‌کردند و امروز دیگر چنین موضوعی در دانشگاه‌های دنیا وجود ندارد. دانشجو در دانشگاه MIT می‌تواند در رشته مهندسی، دروس هنر را نیز بگذراند، چراکه در آنجا پارادایم‌ها تغییر کرده و درنهایت می‌بینیم خروجی آنها به‌مراتب بهتر از دانشگاه‌های ماست.

نظام آموزش‌عالی ما دچار سرطان شده است

به نظر شما برای درمان بیماری آموزش‌عالی باید چه اقداماتی را انجام داد؟

به‌هیچ‌وجه این ادعا را ندارم که می‌توانم مولفه‌های حل این بیماری را برایتان بگویم؛ چراکه بنده درمان سرطان را بلد نیستم و اصلا این کار از عهده یک نفر خارج است و باید تیم‌های تخصصی پای کار بیایند. اما آنچه واضح است اینکه یک بت به نام روش سنتی آموزش وجود دارد که در وهله اول باید شکسته شود. صحبت‌هایم مستقل از سیاست‌های دولت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب است، نظام آموزش‌عالی ما دچار سرطان شده و اگر کسی این مساله را قبول ندارد، شاید درحال انجام یک جنایت است! این شبیه آن است که کسی بیاید و بگوید خودروی تولیدی ما از آلمانی‌ها هم بهتر بوده، قطعا چنین فردی دیوانه تلقی می‌شود.

تقلب معضل اصلی دانشگاه‌های کشور

امروزه معضل اساسی دانشگاه‌های ما تقلب است، تا جایی که یکی از اساتید ۱۹ بار در همین تیرماه از دانشجویانش امتحان گرفته و می‌گوید دلم راضی نیست و دانشجویان تقلب می‌کنند. قطعا زمانی این مهم اصلاح می‌شود که این استاد پارادایم ذهنی‌اش را اصلاح کرده و به این فکر کند که اصلا آموزش در دنیا تغییر کرده است. اما از آنجا که این استاد خودش براساس ساختار سنتی تربیت یافته و مساله اصلی آنها تقلب بوده، همین شیوه را دنبال می‌کند. قطعا با آرامش ساختار نظام آموزش‌عالی ما اصلاح جدی نخواهد شد.

شما بررسی کنید و درصد دانشجویانی را که بعد از مقطع لیسانس اپلای کرده و از ایران می‌روند، به‌صورت صادقانه مطرح کنید، آن زمان است که می‌بینیم ما در دانشگاه‌هایمان نیروهایی را تربیت می‌کنیم که به خارج از کشور خدمت کنند. ریشه اصلی این مساله آن است که در خارج از کشور به دانشجو کمک‌هزینه تحصیلی می‌دهند و دانشگاه‌ها این پول را هم از طریق کمک به صنعت و درآمدزایی تامین می‌کنند، درحالی‌که در ایران اصلا چنین وضعیتی وجود ندارد و صرفا با شرکت کردن در آزمون باید مقاطع تحصیلی را بالا برد و درنهایت مدرکی گرفت. اما در خارج از کشور موضوع حل مشکلات صنعت و جامعه است.

قطعا زمانی که قطاری در مسیر اشتباه قرار می‌گیرد، ترمز گرفتن هم اثرگذار است، اما تنها به اصطلاح با دور در جا زدن است که می‌توان مسیر را اصلاح کرد و ما نیاز به این کار داریم و درصورت تحقق آن شرایط‌مان به‌طور کلی تغییر خواهد کرد و به دانشگاه‌های مولد خواهیم رسید.

تنها حرف اصلاح فرهنگ مدرک‌گرایی در کشور را می‌زنیم

یکی از مشکلات ما این است که دائم می‌گوییم در کشور ما مدرک‌گرایی وجود دارد و باید این روند اصلاح شود، اما در عمل می‌بینیم که مدرک‌گرایی خوب است. به‌طور مثال یکی از جذاب‌ترین شغل‌ها در کشورمان نمایندگی مجلس شورای اسلامی است، چراکه با مدرک بالا می‌توان به این درجه رسید و امروز نیز دعوای مجلس بر سر مدرک تحصیلی یکی از نمایندگان است. درحالی‌که نه‌تنها ۵۵درصد آلمانی‌ها اصلا اشتیاقی برای رفتن به دانشگاه ندارند بلکه حقوق یک جوشکار آلمانی با سابقه ۲۲ سال به اندازه یک استاد دانشگاه با همان میزان سابقه کاری است، اما در کشور ما شأن و منزلت افراد بسته به مدرک دانشگاهی است. معتقدم برای اصلاح وضعیت آموزش‌عالی به‌حدی مولفه‌های متعددی وجود دارد که نمی‌توان از منظر یک نفر آن را ترسیم کرد، اما مشکل اصلی باور همان بیماری سرطان در بدنه آموزش‌عالی کشور است که با داروهای مسکن عادی هم اصلاح نخواهد شد و باید شیمی‌درمانی را شروع کنیم.

امروزه اقدامات و حرکت‌هایی به‌منظور ایجاد تحول توسط شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها صورت گرفته، چقدر این تصمیمات موثر خواهد بود؟

این اقدامات با شیب ملایمی همراه است و این شیب حلال مشکلات جدی آموزش‌عالی کشور نیست، چراکه نهضتی باید ایجاد شود و به آموزش‌عالی بگوید که به‌طور مثال پنج تغییر اساسی نیاز دارد و باز هم می‌گویم الان هیچ‌کس نمی‌تواند با قطعیت بگوید که برای اصلاح باید چه اقداماتی انجام داد، برای انجام آن باید متخصصان این حوزه دور هم جمع شده و به نتیجه برسند. نگاه کنید امروزه اکثر دانشجویان درس کارآموزی را به شوخی می‌گیرند، حال تصور کنید طرحی ارائه شود که دانشجویان مجبور شوند بخشی از واحدهای خود را در قالب کارآموزی در دل صنعت بگذرانند و برای این کار باید سازوکار دقیقی میان وزارت علوم و وزارت صنعت تعیین شود، هرچند امروزه شعارهای خوبی در این‌باره داده می‌شود اما در عمل باید اجرایی شود که درصورت تحقق آن قطعا اتفاق خوبی رخ می‌دهد. همچنین اگر پروژه‌های میلیاردی صنعتی در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی تعریف می‌شد، امروز شاهد تغییر وضعیت در بخش‌های مختلف صنعتی بودیم. با همه این تفاسیر در وهله اول باید اعتراف کنیم که آموزش‌عالی فعلی به درد کشور ما نمی‌خورد.

همه بخش‌ها اعم از وزارت علوم، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و... باید به این مهم اعتراف کنند، اما مساله مهم این است که معمولا تحولات همزمان از تمام بخش‌ها شروع نمی‌شود و همین که استاد سر کلاس درس بگوید، وزیر علوم مشکلات جدی را مطرح کند و... کم‌کم این مهم شکل می‌گیرد. متاسفانه کرونا بخش‌های زیادی در جامعه را از خواب بیدار کرده اما هنوز آموزش‌عالی ما بیدار نشده است، چراکه این ویروس با وزنی تقریبا نزدیک به صفر، ساختار زندگی‌مان را دچار تغییر کرده است. باز هم تاکید می‌کنم که قدم اول رسیدن به این باور است که آموزش دچار بیماری سختی است و هرکس می‌تواند از منظر فکری خودش به این مهم نگاه کند و بعد از اینکه در این‌باره به جمع‌بندی رسیدیم، تیم‌های متخصص باید پای کار بیایند تا اولویت‌های درمان را پیدا کنند.

فارغ‌التحصیلان، ۸۵درصد شرکت‌کنندگان کلاس‌های مهارتی

در دانشگاه خودتان اقدامی برای اصلاح وضعیت انجام داده‌اید؟

چند سال پیش به ۱۱۰ نفر از دانشجویان رشته برق اعلام کردیم که شما براساس قانون باید ۱۴۰ واحد درس بخوانید، اما هر سه نفر یک موضوع کاربردی را انتخاب کرده و در طول چهار سال تحصیل، تنها در زمان تفریح به آن فکر کنید. یک گروه روی لامپ کم‌مصرف، یک گروه روی آسانسور و گروه دیگری روی پرینتر سه‌بعدی کار کردند و درنهایت گروهی که روی پرینتر سه‌بعدی کار می‌کرد و اتفاقا یکی از آنها همان مقطع لیسانس ترک تحصیل کرد، شرکتی را تاسیس کردند که الان یکی از اساتید و تعدادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه ما از آنها حقوق می‌گیرند. به‌عبارت دیگر ما باید جامعه را به این باور برسانیم که غایت نهایی رفتن به دانشگاه نیست. محمدجواد شکوری‌مقدم، بنیانگذار آپارات شد اما همین شخص تحصیلاتش را نیمه‌تمام می‌گذارد و قطعا این فرد از بسیاری از دانشجویان نخبه ما موفق‌تر است و با افتخار هم می‌گوید که تحصیلاتش دیپلم است. متاسفانه امروز ۴۰ هزار میلیارد تومان گردش موسسات کنکور است که درنهایت دانش‌آموز ما بتواند به دانشگاه که امروزه کعبه آمال افراد شده، دست پیدا کند، درحالی‌که اصلا دانشگاه کعبه آمال نیست و برای تغییر در این روند باید باور جامعه عوض شود. در ۸۵درصد کلاس‌های مهارتی سازمان فنی‌وحرفه‌ای کشور فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ما شرکت می‌کنند و این یعنی دانشجوی ما در طول تحصیل هیچ مهارتی را فرا نمی‌گیرد و برای ورود به بازار کار، باید در این کلاس‌ها شرکت کند؛ درحالی‌که در دنیا اصلا وضعیت این‌طور نیست که همه افراد به دانشگاه بروند، چراکه برخی تکنسین می‌شوند، برخی تنها مقطع کاردانی می‌گیرند و... و تنها تعداد معدودی به مقطع دکتری می‌رسند اما در کشور ما وضعیت برعکس است.

یادداشت

کرونا و مساله رنج

یاسر سالاری
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

محمد نجاتی
عضو هیات‌علمی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان

یکی از مسائل مهم حوزه فلسفی بحث درباره کرونا ویروس، ارتباط آن با مقوله رنج است. همان‌سان که روشن است رنج چیزی است که در زندگی تمامی انسان‌ها با شدت و ضعف اتفاق افتاده، لذا فهم ماهیت آن برای هیچ انسانی نیاز به توضیح ندارد. رنجی که انسان‌ها در زندگی خود متحمل می‌شوند، در پاره‌ای موارد حتی آنها را بر آن داشته است که درجهت تقلیل و حذف آن چاره‌اندیشی‌های فلسفی و الهیاتی داشته باشند. مکاتبی چون بودیسم یا اپیکورها و مکاتب لذت‌گرای مدرن، غالبا دغدغه اصلی‌شان همین مساله رنج بوده است. قبل از هر بحثی درخصوص ارتباط دو مقوله رنج و بیماری کرونا باید گفت بسیاری از راهکارهایی که در برخی مکاتب فلسفی و دینی برای تقلیل یا تحمل‌پذیر کردن رنج ارائه شده است، درخصوص بیماری کرونا کارآمدی لازم را ندارد. منظور راهکارهایی است که بیشتر در دوران معاصر برای منشأ رنج و رفع و تقلیل علت آن بیان شده است. البته به‌نظر می‌رسد برخی راهکارهای سنتی نیز درخصوص این مساله نمی‌توانند به‌صورت شایسته راهگشا باشند.

در حوزه تفکر اسلامی، خاصه فلسفه اسلامی، حکمای بزرگ مسلمان درمورد رنج بحث‌های مختلف و متفاوتی داشته‌اند. به‌صورت کلی به‌نظر می‌رسد کرونا شر وجودی از قسم بالعرض و نسبی است و ذاتا شر نیست. اما به‌جهت بحث رنج، قطعا این بیماری رنج زیادی را باواسطه یا بی‌واسطه به جهانیان تحمیل کرده است. اما بحث مهم این است که آیا رنج ناشی از کرونا شر وجودی محسوب می‌شود یا اینکه می‌توان با تحلیل‌های فلسفی رنج ناشی از آن را از حوزه شرور خارج کرد و حتی در زمره امور خیر داخل دانست.

خود این بیماری به‌لحاظ وجودی شر نیست، حداقل این مساله را درمورد طبیعت و آلودگی کمتر آن در مدت شیوعش در آب، هوا، دریا و زمین می‌توان مشاهده کرد، نه‌تنها برای گیاهان پیامدهای آسیب‌زایی نداشته، بلکه گیاهان از پیامدهای این بحران بهره‌مند هم شده‌اند. علاوه‌بر این شاید حیوانات ساکن در اطراف ما از این بیماری خرسند هم باشند، زیرا کمتر شکار می‌شوند و آزار می‌بینند، حتی در برخی کشورها جای زندگی فراخ‌تری یافته‌اند.

اما این تاثیرات کرونا در مقایسه با حیات انسان پیچیدگی بیشتری دارد. ظاهرا انسان‌ها تنها موجوداتی هستند که از این بیماری آسیب فراوان دیده‌اند؛ هم به‌لحاظ جسمی و هم روحی و حتی در حوزه‌های اقتصادی این آسیب‌ها جدی‌تر نیز هست؛ بحران بیکاری و فقر تنها بخشی از این بحران است. اما آیا این ویروس صرفا در مقایسه با حیات انسان، شر ایجاد کرده است یا خیر؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد، زیرا فارغ از شرور و آسیب‌های ذکرشده دو نوع خیریت برای انسان به‌دنبال دارد:

۱- خیرات مستقیم: این‌گونه خیرات مستقیما و بی‌واسطه به حیات انسان ارتباط دارند. خیرات مستقیم کرونا در حوزه‌های مختلف قابل پیگیری است:

الف- مهم‌ترین خیر مستقیم آن در حوزه اخلاق است. کرونا به انسان‌ها نشان داد تنها دارایی ماندگار انسان حسنات و خیرات اخلاقی هستند و در مواقع بحرانی هیچ‌تمایزی غیر از تمایزات اخلاقی بین انسان‌ها وجود نخواهد داشت. بحران کرونا بین انسان‌های سیاه و سفید یا ثروتمند و فقیر تمایزی قائل نمی‌شود.

ب- دومین خیر مستقیم آن در حوزه‌های اجتماعی حیات انسان بروز می‌کند. انسان قبل از کرونا به‌معنای واقعی اجتماعی نبود و نهایتا زندگی اجتماعی را درحد برطرف کردن و نیل به اهداف اقتصادی خود می‌دید یا حتی جماعت را جایی برای برند و بُلد کردن خود و ویژگی‌های ناپایدارش می‌دید. انسان پس از کرونا می‌داند که زندگی اجتماعی، همان‌سان که فلاسفه‌ای چون ارسطو و ابن‌سینا گفته‌اند کارکردی متعالی‌تر از رفع حوائج اقتصادی و رخنه‌های شخصیتی دارد. انسان بدون جماعت ذاتیاتی از وجودش را از دست می‌دهد و ناچار در مسیر نقص حرکت می‌کند.

ج- سومین خیر مستقیم آن در ابعاد فردی حیات بشری به‌وجود می‌آید. انسان پیش از کرونا از تنهایی گریزان بود؛ تنهایی انسان پیش از کرونا به‌معنای مواجهه با خویش است و خویش چیزی است که انسان مدرن بسیار از آن هراسناک است و در رنگ‌ولعاب مدرنیسم خود را از مواجهه با خویش منحرف می‌کند. انسان پس از کرونا بنابر اجبار و اضطرار با خویش ترسناکش مواجه شده و تاحدودی هراس کاذبش از خودشناسی فروریخته است. انسان پس از کرونا تاحدودی به‌لحاظ ایجاد اعتدال بین توجه به ابعاد فردی و اجتماعی‌اش به تعادل رسیده است.

د- چهارمین خیر مستقیم آن را می‌توان در ایجاد تواضع انسان مدرن دانست. انسان مدرن به‌واسطه پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی‌اش دچار مغالطه شده و چون در حوزه علوم تجربی و طبیعی به قدرت و حکومت رسیده، خیال برش داشته که حاکم علی‌الاطلاق طبیعت است. کرونا سیلی بسیار نوازش‌گونه‌ای بود که طبیعت برصورت نحیف انسان مغرور مدرن نواخت و به او یادآوری کرد رئیس کیست و در برابر مادر طبیعت باید متواضع بود.

ذ-پنجمین خیر مستقیم آن در مواجهه انسان با مفاهیم الهی و فلسفی بوده است. انسان پیش از کرونا نه‌تنها از روی جهل، قدرت علی‌الاطلاق را بر کره زمین تسری داده بود، بلکه در مواجهه با خالق هستی نیز دچار غرور کاذب شده است. کیست که اومانیسم را فهم کرده و غرور کاذب انسان در آن را ندیده باشد. کرونا را می‌توان به‌نوعی کسادی دیدگاه‌هایی چون اومانیسم دانست که تا قبل از کرونا سیطره جهانی داشته‌اند؛ مفاهیمی چون تجربه‌گرایی یا سکولاریسم نیز به همین سرنوشت دچار می‌شوند.

۲- خیرات غیرمستقیم: منظور از خیرات غیرمستقیم درواقع خیراتی است که با واسطه دیگری به انسان مترتب می‌شود. انسان پیش از کرونا به‌واسطه ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی آسیب فراوانی را بر طبیعت تحمیل کرده است. آلودگی آب‌ها به‌واسطه پسماندهای صنعتی و تجاری انسان، حیات تمام موجودات کره زمین را به‌مخاطره انداخته است. همچنین آلودگی هوا بیش از حد هوا چنین عملکردی درقبال موجودات کره زمین دارد.

انسان به‌واسطه کرونا به‌اجبار از ایجاد آلودگی در طبیعت و آسیب به آن منع شد و به‌نوعی این منع برای او توفیقی اجباری بود. نقل‌قولی از متخصصان هواشناسی ذکر شده که اگر تا دو ماه آینده وضعیت کرونا پایدار باشد، هوای کره زمین به پاکی ۸۰۰سال قبل بازمی‌گردد. همان‌سان که امروزه اکثر رنج‌ها و بیماری‌های انسان‌ها محصول آلودگی‌های مذکور است، طبیعی خواهد بود که پاک و طیب شدن طبیعت با واسطه باعث از بین رفتن بسیاری از شرور نسبی خواهد شد و انسان پس از کرونا با رعایت پروتکل‌های دوره کرونا به‌نحو اختیاری می‌تواند از خیرات آن تا مدت مدیدی بهره‌مند شود.

نیمکت خبر

به هیچ عنوان ترم آینده را بهمن‌ماه آغاز نمی کنیم

وزیر علوم در گفت‌وگو با ایسنا درخصوص زمان آغاز سال تحصیلی آینده گفت: «ما مشکلی برای تحصیل دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی در ترم آینده نداریم و این دانشجویان سال تحصیلی جدید خود را با یک یا دو هفته تاخیر شروع خواهند کرد اما با توجه به اینکه سازمان سنجش آموزش کشور اعلام کرده است برای اعلام نتایج نهایی داوطلبان آزمون سراسری کارشناسی و کاردانی در فشرده‌ترین شکل حداقل به ۴۵ روز زمان نیاز دارد، بنابراین نتایج کنکور حدودا تا ۱۵ مهر اعلام می‌شود تا ثبت‌نام این دانشجویان در دانشگاه‌ها انجام شود. به همین جهت کلاس‌ها قبل از پایان مهر آغاز خواهد شد اما دانشجویان از اول آبان با اطمینان بیشتر کلاس‌های آموزشی خود را شروع خواهند کرد.» غلامی افزود: «به هیچ عنوان ترم آینده را بهمن آغاز نمی‌کنیم، چراکه با وقت و عمر دانشجویان سر و کار داریم و وقتی که می‌توانیم این موضوع را مدیریت کنیم چرا باید فضا را خالی کنیم و آن را به یک زمان دیگر موکول کنیم. ضمن اینکه مشخص نیست بهمن شرایط شیوع کرونا بهتر خواهد شد. بنابراین ما آمادگی کامل داریم با شرایط فعلی ترم آینده را شروع کنیم و فرار کردن از مشکلات و به آینده موکول کردن کاری را درست نمی‌کند، ضمن اینکه ممکن است تعدادی نیز در این موضوع بخواهند شرایط را به هم بریزند. مثلا فردی اصلا داوطلب کنکور نیست و به دلایل اهداف و برنامه‌های خود اصلا نمی‌خواهد در کشور ما آزمونی برگزار شود. باید مراقب این گونه افراد باشیم.» وزیر علوم با اشاره به اینکه آموزش ترم آینده دانشجویان جدیدالورود به‌صورت حضوری خواهد بود، گفت: «فعلا برنامه این است که دانشگاه‌ها اگر بتوانند کلاس‌های آموزشی دانشجویان جدیدالورود را به‌صورت حضوری شروع کنند، چراکه آنها باید محیط دانشگاه را بشناسند و با اساتید آشنا شوند و به‌طور کلی با محیط دانشگاهی آشنا شوند.»

جزئیات برگزاری آزمون دکتری اعلام شد

براساس اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور، کارت شرکت تمامی داوطلبان آزمون ورودی دوره دکتری «Ph.D» (نیمه‌متمرکز) سال ۱۳۹۹ از روز دوشنبه ۲۳ تیر سال جاری برای مشاهده و پرینت روی پایگاه اطلاع‌رسانی این سازمان به نشانی www.sanjesh.org قرار خواهد گرفت. لذا داوطلبان متقاضی شرکت در این آزمون، برای پرینت کارت شرکت در آزمون باید در تاریخ تعیین‌شده به شرح فوق به سایت اطلاع‌رسانی مذکور مراجعه کرده و با وارد کردن اطلاعات شناسنامه‌ای (شامل نام‌خانوادگی و نام، کد ملی و تاریخ تولد) یا اطلاعات ثبت‌نامی (شماره پرونده و کد پیگیری) از کارت شرکت در آزمون پرینت تهیه کنند و براساس تاریخ و آدرس تعیین‌شده روی کارت شرکت در آزمون، به حوزه امتحانی مربوط مراجعه کنند. بدیهی است برای شرکت در جلسه آزمون فوق، همراه داشتن پرینت کارت شرکت در آزمون و همچنین اصل کارت ملی یا اصل شناسنامه عکس‌دار و ارائه آن الزامی است. همچنین سایر اطلاعات دیگر در برگ راهنمای شرکت در آزمون که همزمان با کارت شرکت در آزمون روی درگاه این سازمان قرار گرفته قابل‌پرینت و دریافت است.

بنیاد شهید برای حل مشکل دانشجویان املاکش را می‌فروشد

سیدفردین تقی‌زاده، مدیرکل امور دانشجویان شاهد و امور ایثارگان سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در گفت‌وگو با فارس درمورد پیگیری آخرین اقدامات و رایزنی‌ها برای حل مشکل شهریه دانشجویان تحت‌پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دولتی، اظهار داشت: «بنیاد شهید و امور ایثارگران درحال رایزنی است که درصورت امکان بخشی از املاک خود را به فروش برساند و مشکل شهریه دانشجویان تحت‌پوشش خود در دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دولتی را حل کند.» وی ادامه داد: «در حال رایزنی با بنیاد شهید و امور ایثارگران هستیم که جلسه‌ای بین دانشگاه‌های غیرانتفاعی و بنیاد شهید و امور ایثارگران برگزار شود و حل مشکل دانشگاه‌های غیرانتفاعی در اولویت رسیدگی قرار گیرد.» مدیرکل امور دانشجویان شاهد و امور ایثارگان سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اضافه کرد: «همان‌طور که پیش از این تاکید کرده‌ام باز هم تکرار می‌کنم هیچ دانشگاهی ازجمله دانشگاه‌های غیرانتفاعی و دولتی نباید به بهانه اینکه از بنیاد شهید و امور ایثارگران مطالبه دارند مانع تحصیل و فارغ‌التحصیلی دانشجویان تحت‌پوشش این نهاد شوند.»

۴۴۰ میلیارد تومان تسهیلات به ۲۲ صندوق پژوهش و فناوری پرداخت شد

مدیر پذیرش صندوق نوآوری و شکوفایی همچنین درمورد اخذ تسهیلات از صندوق نوآوری به‌طور همزمان گفت: «شرکت نمی‌تواند به‌طور همزمان تسهیلات نمونه‌سازی و تولید صنعتی را دریافت کند، علاقه‌مندان از طریق سامانه غزال می‌توانند با خدمات یا تسهیلات موردنیاز خود آشنا شوند و از همین طریق نسبت به مدارک موردنیاز آگاهی کسب کنند.» نوتاش با بیان اینکه با همکاری ۱۲ بانک بیش از سه‌برابر منابع اهرمی شده به شرکت‌های دانش‌بنیان تسهیلات اعطا شده است، خاطرنشان کرد: «با پرداخت ۴۴۰ میلیارد تومان تسهیلات به ۲۲ صندوق پژوهش و فناوری، زمینه فعالیت گسترده این صندوق‌ها در سراسر کشور فراهم شد.» وی به مبلغ ضمانتنامه صادرشده به شرکت‌های دانش‌بنیان از آذرماه ۹۷ تاکنون اشاره و تاکید کرد: «صدور ضمانت‌نامه از طریق شبکه بانکی و موردپذیرش تمامی کارفرمایان با ایجاد شرایط ترجیحی برای شرکت‌ها انجام شده که این میزان ۳۷ برابر عملکرد صندوق نوآوری و شکوفایی گذشته است.» مدیر پذیرش صندوق نوآوری و شکوفایی گفت: «در سال ۹۸، ۱۱ میلیارد تومان حمایت بلاعوض به بیش از سه‌هزار درخواست شرکت‌های دانش‌بنیان اعطا شد.»

ایجاد بسته‌های خاص زیارت دانشجویی در قالب سفرهای اردویی

محسن مسلمی، معاون پشتیبانی و اعزام ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان گفت: «با توجه به رسالت فرهنگی-مذهبی نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها در بحث اسلامی کردن فضای دانشگاه‌ها، بحث زیارت دانشجویی سالیانی است که به این مجموعه سپرده شده است. مدت‌زمان مدیدی در عمره فعال بودیم اما خلأ زیارت عتبات احساس شد و با راه‌اندازی عتبات دانشگاهیان و در ادامه این مسیر معنوی، در زیارت سوریه هم فعال شدیم.» وی گفت: «با توجه به افزایش قیمت دلار و هزینه‌ها دنبال این هستیم که بسته‌های خاص زیارت دانشجویی در قالب سفرهای اردویی ایجاد کنیم و تحت پوشش سازمان حج و زیارت و بعثه مقام‌معظم‌رهبری با قیمت حداقلی، دانشگاهیان را به سفرهای زیارتی اعزام کنیم.» معاون پشتیبانی و اعزام ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان ادامه داد: «مجموعه ستاد، سفر زیارتی مشهد را در قالب اردوی از بهشت تا بهشت ویژه عمره‌گزاران دانشجو و زیارت اولی‌ها را قبلا برگزار کرده و هدف‌مان این است که این سفرها با حداقل هزینه برای دیگر دانشجویان نیز برگزار شود و در این راه بتوانیم با همکاری مجموعه‌های مربوطه از خدمات زمینی، ریلی، طبخ غذا، اسکان و... در اعزام زائران دانشگاهی به سوریه، مشهد و سفر اربعین نیز بهره‌مند شویم.»

جهاد دانشگاهی
دفتر مرکزی

راه‌اندازی سامانه شناسایی و اعتبارسنجی مجلات معتبر علمی

معاون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی از راه‌اندازی «سامانه شناسایی و انتخاب مجلات معتبر بین‌المللی» برای انتشار یافته‌های پژوهشی محققان خبر داد. محمدمهدی مشیدی گفت: «سامانه‌ای جهت شناسایی و اعتبارسنجی مجلات معتبر علمی در عرصه بین‌المللی راه‌اندازی شده است که محققان می‌توانند با مراجعه به این سامانه به نشانی http://rank.sid.ir/jcr ضمن شناسایی مجلات معتبر در عرصه بین‌المللی به‌رتبه و جایگاه علمی نشریات براساس شاخص‌های علم‌سنجی نیز دسترسی یابند.» معاون توسعه بانک‌ها و خدمات تخصصی مرکز اظهار کرد: «این سامانه از یک‌سو می‌تواند برای دانشجویان و پژوهشگران به هنگام نشر آثار خودش، راهنمای خوبی باشد تا در دام مجلات تقلبی نیفتند و از سوی دیگر به بخش‌های اجرایی معاونت پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهت رتبه‌بندی مقالات افراد کمک خواهد کرد.»